گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۲۳۷۹۶
چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۵ ۷:۰۰

هرمز بسته شد، اقتصاد آمریکا نفسش تنگ شد؛ تب وال‌استریت از لرزش بازار اوراق

ایران با تنگه‌ی هرمز گلوی اقتصاد آمریکا را در مشت خود می‌فشرد و راه نفسش را تنگ کرده است! آن گلوگاه باریک که سال‌ها شاهرگ نفت جهان بود، حالا مثل دستی که بر گلوی اقتصاد گذاشته باشند، فضا را سنگین کرده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی معدن پیشرو؛ روزگاری اگر نفت سرفه می‌کرد، وال‌استریت تب می‌گرفت. حالا اما تب از جای دیگری بالا زده؛ از دل همان بازار خشک و بی‌روح اوراق قرضه، جایی که همیشه قرار بود آرام‌ترین گوشه اقتصاد باشد. بازده اوراق ده‌ساله خزانه، مثل تب بیماری که ناگهان بالا می‌زند، از ۳.۹۲ درصد تا ۴.۴۲ درصد بالا رفت؛ آن هم در کمتر از یک ماه. پنجاه واحد پایه در بیست‌وهفت روز. عدد است، اما پشت این عدد لرزش یک امپراتوری خوابیده است.

بازار، که تا دیروز امید بسته بود به سال ۲۰۲۶ و کاهش نرخ بهره، حالا به جایی رسیده که حتی احتمال افزایش نرخ را هم جدی می‌گیرد؛ با احتمال چهل‌وسه درصد. یعنی امیدی که قرار بود مرهم باشد، خودش شده زخمی تازه.

از آن طرف، آمار اشتغال هم مثل دیواری که ناگهان ترک بردارد، فرو نشست. بیش از یک میلیون شغل از آمارها پاک شد؛ بزرگ‌ترین اصلاح در بیست سال. بیکاری هم کش آمده تا بیست‌وپنج هفته؛ یعنی آدم‌ها بیشتر می‌گردند و کمتر پیدا می‌کنند. این دیگر فقط عدد نیست؛ بوی رکود می‌دهد.

تورم مورد انتظار هم بالا رفته؛ پنج‌ونیم نه، پنج‌ودو دهم درصد. یعنی مردمی که هنوز خرید نکرده‌اند، از حالا حس می‌کنند فردا همه‌چیز گران‌تر است. این همان جایی است که اقتصاددان‌ها می‌ترسند: وقتی انتظار تورم، خودش تورم می‌سازد.

و درست در همین گیرودار، بازده اوراق خزانه به مرزهایی نزدیک شده که پیش‌تر خط قرمز سیاست بوده است؛ محدوده ۴.۵ تا ۴.۷ درصد. جایی که بازار دیگر فقط بازار نیست، بلکه مسئله قدرت می‌شود. اتفاقی هم نبود که در بیست‌وسوم مارس، وقتی بازده ده‌ساله به ۴.۴۵ درصد رسید، ناگهان خبر توقف پنج‌روزه حملات آمد. سیاست گاهی با زبان آتش حرف می‌زند، اما بیشتر وقت‌ها با زبان بازار.

دولت ترامپ خوب می‌داند سقوط بازار یعنی سقوط اعتماد. برای همین است که به نوسان‌های اوراق و سهام مثل فشارسنج نگاه می‌کند. کافی است عقربه کمی بالا برود تا دست‌ها به تکاپو بیفتند.

با این حال، بازار سهام حرف خودش را زده است. از آغاز جنگ تا حالا، S&P ۵۰۰ چیزی حدود سه‌ونیم تریلیون دلار از ارزشش را از دست داده. عددی آن‌قدر بزرگ که دیگر به سختی می‌شود تصورش کرد؛ مثل شهری که یک‌باره در مه گم شود.

پس بستن تنگه هرمز شاید جرقه باشد، اما آتشی که در بازارهای آمریکا افتاده از جای دیگری زبانه می‌کشد. این‌بار نفت تنها بازیگر صحنه نیست. بحران، آرام‌آرام از بشکه‌های نفت به دفترهای حسابداری خزانه‌داری خزیده است.

و اگر روزی نفت قلب اقتصاد بود، امروز ضربان واقعی در بازار اوراق شنیده می‌شود؛ جایی که هر صدم درصد، می‌تواند لرزش یک اقتصاد را فاش کند.